



قدرشناسی خویش

در پاسداشت و دانستن قدر و اندازه و این‌که انسان چه‌گونه باید قدر خویش را بداند، باید گفت لازم است انسان **شخصیت** خود را پاس داشته و اقدام به کاری پایین‌تر و بالاتر از شئون خود نکند؛ بلکه واقع‌نگری را در نظر داشته باشد.
با توجه به آنچه که در پرسش مطرح شده، پاسخ را در دو بخش (معنای **قدر** و شرح آن) ارائه می‌کنیم.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای قدر
 - ۱.۱ - دیدگاه فراهیدی
 - ۱.۲ - دیدگاه شارحان نهج‌البلاغه
 - ۱.۳ - دیدگاه شارح اصول کافی
 - ۲ - چگونگی پاسداشت قدر خویش
 - ۲.۱ - بیان روایات
 - ۲.۱.۱ - روایت اول
 - ۲.۱.۲ - روایت دوم
 - ۲.۱.۳ - روایت سوم
 - ۲.۱.۴ - روایت چهارم
 - ۳ - جایگاه واقعی انسان در نظام هستی
 - ۳.۱ - روایتی از امام باقر
 - ۴ - پانویس
 - ۵ - منبع
- ### معنای قدر

با تحقیقی که پیرامون واژه «قدر» صورت گرفت، می‌توانیم با دلایل و شواهد ذیل، معناهایی چون «حد»، «اندازه» و «جاه» را مترادف آن بدانیم:

← دیدگاه فراهیدی

فراهیدی در معنای **قدر** می‌گوید: «القدر، مبلغ الشیء»؛
[۱] فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۵، ص ۱۱۳، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
قدر به معنای منزلگاه نهایی هر چیزی است.

← دیدگاه شارحان نهج‌البلاغه

شارحان نهج‌البلاغه در شرح سخن امام علی (علیه‌السلام) گفتند:

«قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَصِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَتِهِ، وَشَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَتَقِيهِ، وَعَقْمَتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ»
[۲] امام علی (علیه‌السلام)، نهج‌البلاغه، ص ۳۲۵، حکمت ۴۷، ترجمه مجد دشتی.

می‌گویند: منظور از قدر، آن اعتبار و ارزشی است که شخص پیش خدا یا مردم و یا پیش هر دو پیدا می‌کند.
(قدر هر مردی به اندازه همت اوست، راستی و درستیش به اندازه مردانگی اوست، و دلیری هر کس برابر عزت‌منشی، و پارسایی‌اش به اندازه غیرتمندی است).

[۲] هاشمی خوبی، میرزا حبیب‌الله، حسن‌زاده آملی، حسن، کمره‌ای، مجدباقر، منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغه، ج ۲۱، ص ۸۶ و ۸۷، محقق، مصحح، میانجی، ابراهیم، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ق.

← دیدگاه شارح اصول کافی

شارح **اصول کافی** در تعریف کبر می‌گوید: «فالكبر رفع الانسان نفسه فوق قدره بالاستطالة والتفوق على الاقران»؛ «**کبر** عبارت است از این‌که انسان خودش را با خودبزرگ‌بینی و برتری‌طلبی نسبت به هم‌ردیفانش، بالاتر از حد و اندازه‌اش قرار دهد».

[۴] صدرالدین شیرازی، مجد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۵۹، محقق، مصحح، خواجوی، مجد، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.

که در این‌جا منظور از **قدر**، حد و اندازه می‌باشد.

چگونگی پاسداشت قدر خویش

در پاسداشت و دانستن قدر و اندازه و این‌که انسان چه‌گونه باید قدر خویش را بداند، باید گفت لازم است انسان شخصیت خود را پاس داشته و اقدام به کاری پایین‌تر و بالاتر از شئون خود نکند؛ بلکه واقع‌نگری را در نظر داشته باشد.

← بیان روایات

در روایات آمده است:

← روایت اول

«مَنْ وَقَفَ عِنْدَ قَدْرِهِ أَكْرَمَهُ النَّاسُ»؛

[۵] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن مجد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۲۶، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.

«فردی که پا را از گلیم خود فراتر نگذاشته و به حد خود قانع باشد، مورد احترام دیگران قرار خواهد گرفت».

← روایت دوم

«مَنْ أَظْهَرَ قَدْرَهُ أَذَلَّ قَدْرَهُ»؛

[۶] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن مجد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۲۳، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.

«هر کسی که فقر خود را اظهار کند، قدر (کرامت) خویش را ذلیل کرده است».

← روایت سوم

«مَنْ جَهَلَ قَدْرَهُ جَهَلَ كُلَّ قَدْرٍ»؛

[۷] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن مجد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۴۴، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.

«هر کس نسبت به شخصیت خود بی‌تفاوت باشد، شخصیت دیگران را نیز پاس نخواهد داشت».

← روایت چهارم

امام صادق (علیه‌السلام) به مفضل فرمود: «وَقَدْ ادَّعَتْ طَائِفَةٌ مِنَ النَّاسِ هَذِهِ الْأُمُورَ فَأَبْطَلَ دَعْوَاهُمْ مَا بَيَّنُّ مِنْ خَطِيئِهِمْ فِيمَا يَقْضُونَ عَلَيْهِ وَيَحْكُمُونَ بِهِ فِيمَا ادَّعَوْا عَلَيْهِ (عِلْمَهُ) فَأَنْظُرْ كَيْفَ أُعْطِيَ الْإِنْسَانُ عِلْمَ جَمِيعِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ لِدِينِهِ وَ دُنْيَاهُ وَ حُجِبَ عَنْهُ مَا سِوَى ذَلِكَ لِيَعْرِفَ قَدْرَهُ وَ نَقْصَهُ»؛

[۸] مفضل بن عمر، توحید المفضل، محقق، مصحح، مظفر، کاظم، ص ۸۲، قم، داور، چاپ سوم، بی‌تا.

«نیک بنگر که چه‌گونه تمام دانش‌هایی که به سود دین و دنیای او (انسان) است، به وی داده شده است و از دیگر شناخت‌ها محروم گشته تا نقص و کمال خود را دریابد؛ زیرا این دو امر هر دو به سود اوست».

جایگاه واقعی انسان در نظام هستی

روشن است که منظور از شناخت حد و اندازه، دانستن جایگاه واقعی انسان در نظام هستی است که باید آن را دریابد و مورد نظرش داشته باشد.

← روایتی از امام باقر

امام علی (علیه‌السلام) در این باره فرمود: وَ قَالَ (علیه‌السلام): «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ نَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»؛

[۹] شریف رضی، مجد بن حسین، نهج البلاغه، محقق، مصحح، الصبحی صالح، ص ۵۵۶، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

[۱۰] امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۸۴، حکمت ۴۵۶، ترجمه مجد دشتی.

«برای وجود شما قیمتی جز بهشت نیست، آن را جز به بهشت نفروشید».

پانویس

- ↑ فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العين، ج ۵، ص ۱۱۳، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ↑ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۵، حکمت ۴۷، ترجمه مجد دشتی.
- ↑ هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، حسن‌زاده آملی، حسن، کمره‌ای، مجدباقر، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۲۱، ص ۸۶ و ۸۷، محقق، مصحح، میانجی، ابراهیم، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.
- ↑ صدرالدین شیرازی، مجد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۵۹، محقق، مصحح، خواجوی، مجد، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- ↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن مجد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۲۶، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
- ↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن مجد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۲۳، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
- ↑ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن مجد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۴۴، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
- ↑ مفضل بن عمر، توحید المفضل، محقق، مصحح، مظفر، کاظم، ص ۸۲، قم، داور، چاپ سوم، بی‌تا.
- ↑ شریف رضی، مجد بن حسین، نهج البلاغه، محقق، مصحح، الصبحی صالح، ص ۵۵۶، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- ↑ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۸۴، حکمت ۴۵۶، ترجمه مجد دشتی.

منبع

پایگاه اسلام کونست، برگرفته از مقاله «قدرشناسی خویش»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۳/۱۹.

